

درباره شکنجه و لواط اسلامی

سیامک مهر

واقعیت و وجود شکنجه های اهریمنی در زندان ها و بازداشتگاه های جمهوری اسلامی که تداوم و قدمتی سی ساله داشته و این روزها مانند دملی چرکین سرباز کرده و در سطح جامعه به گفتگوی همگان تبدیل شده است، ریشه هایی اسلامی و قرآنی دارد و توسط الله به دقت مورد توجه بوده، توجیه و تئوریزه شده، و جهت اعمال بر مخالفان الله و رسولش به دفعات توصیه گردیده است.

در نزد مؤمنان، شکنجه و آزار و قتل کافران و مشرکان و مخالفان و دگراندیشان، امری پذیرفته شده و ایمانی و اعتقادی و الهی است. قتل و خونریزی نیز در نظر مؤمنان به صورت «به حق و به ناحق» تقسیم گردیده. خونی به ناحق نباید ریخته شود. اما مانند علی که در پی حق شمشیر می زد، می توان به حق آدم کشت و خون هزاران تن را در راه الله و حق بر زمین ریخت. در اسلام قتل یک نفر به مثابه قتل نوع بشر مذموم شمرده شده، اما قتل هزاران نفر در راه الله به اندازه قتل یک نفر هم اهمیت ندارد که هیچ، پاداش دنیوی و اخروی نیز دربر دارد.

وجود زمینه های ذهنی شکنجه و شلاق و تعزیر و تازیانه در روان مسلمانان و تخمیر و رسوب خشونت و توحش الهی در لایه های ناخودآگاهی آنان، باعث گردیده که در برابر حتا شکنجه و قتل به ناحق (!) واکنشی طبیعی و عکس العملی بدان گونه که شایسته انسان و وجدان سالم اوست از خود نشان ندهند و به مدت سی سال رنج و شکنج و عذاب هموعان خویش را با خونسردی تحمل کنند. مسخ آدم هایی که هموع خود را در چاله می کنند و با سنگ بر سر و سینه وی می کوبند تا بمیرد و یا تخریب افرادی که به هنگام تماشای مراسم بردارکشیدن همسایه و همشهری و هموطن خود به هلله می پردازند، آبشخوری اسلامی و قرآنی و دینی و مذهبی دارد.

می دانیم که پیامبر اسلام خود مبتکر و ابداع کننده خشونت بارترین و وحشیانه ترین انواع روش های شکنجه بوده است. شکنجه بوسیله تازیانه و بنام تعزیر از متداول ترین شیوه های شکنجه در اسلام است. قتل و اعدام و اذیت و آزار و عذاب و تجاوز و خشونت که به مدت سی سال است در سیاه چاله های کهریزک و اوین و قزل حصار و گوهردشت بر جوانان ایرانزمین اعمال می شود، در حقیقت گرته برداری از انواع شکنجه هایی است که الله در قرآن برای ناباوران و دگراندیشان در نظر گرفته است:

سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود.

بر گردنهایشان بزنید و انگشتانشان را قطع کنید.

دست راستش را سخت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم.

و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید.

کسانی که دین حق را نمی پذیرند بکشید.

در هر جا که آنها را ببابید بگیرید و بکشید.

مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید.

با پیشوایان کفر قتال کنید.

ای کسانی که ایمان آورده اید، کافرانی که نزد شمایند را بکشید تا در شما درستی و شدت را بیابند.

چون با کافران روبرو شدید، گردنشان را بزنید و چون آنها را سخت فرو فکندید، اسیرشان کنید و سخت ببندید.

اینان لعنت شدگانند. هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند.

کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است بر خود حرام

نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند بکشید.

چون با کافران روبرو شدید، گردنشان را بزنید.

جالب اینجاست که وقتی الله به توسط رسولش از انتقام گرفتن و قتل و شکنجه کردن ناتوان می ماند، آرزو می کند که دست های

یکی از مخالفینش بریده شود: تبت یدا ابی لهب

همچنین توصیف شکنجه هایی که برای اهل جهنم در نظر گرفته شده و در قرآن آمده، بدون شک سرمشق های خوبی برای

بازجویان در زندان های اسلامی است:

بگیرید او را و در غل کشید.

آنگاه میان آتشش اندازید.
پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید.
و خوراکی جز چرکابه ندارد.
کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند در آتشی سوزان درآوریم که هر چه پوستشان بریان گردد، پوستهای دیگری بر جایش
نهیم تا عذاب الله را بچشند.
آنان در آتشی سوزان درآیند.
از چشمه‌ای داغ نوشانیده شوند.
خوراکی جز خار خشک ندارند.
نه خنکی چشند و نه آب، جز آب جوشان و خون و چرک.
پس بچشید که جز عذاب هرگز چیزی بر شما نمی‌افزاییم.
چون به استغاثه آب خواهند از آبی چون مس گداخته که از حرارتش چهره‌ها کباب می‌شود بخوراندشان.
غله‌ها را به گردنشان اندازند و با زنجیرها بکشندشان، در آب جوشان، سپس در آتش افروخته شوند.
قطعاً از درختی که از زقوم است خواهید خورد.
پس با آبی جوشان پذیرایی خواهید شد.
بر سر شما شراره‌هایی از تفته‌آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد.
میان آتش و میان آب جوشان سرگردان باشند.

علاوه بر شیوه‌های شکنجه و عذاب که در قرآن به تفصیل بیان شده، در میان توده‌ای از مهملاتی که به نام روایت و حدیث از
محمد و علی و ائمه آورده شده نیز شکنجه‌هایی ابداع گردیده است. مثلاً در وصف شکنجه‌های اهل جهنم گفته شده:
دو کفش آتشین به پا دارد که مغز وی از حرارت کفشهایش بجوش می‌آید.
در اثر شدت حرارت گوشت بدن از استخوان جدا می‌شود.
خانه‌هایی از آتش و مار و عقرب و عذاب.

و اما لواط در اسلام عملی بسیار شنیع بوده و مجازات مرگ در پی دارد. بر طبق حدود و احکام شرع اسلام، مرتکب به این
عمل را باید با خشنوبترین روش به قتل رساند. یا از بلندی و کوه پرت کرد تا کشته شود و یا در آتش انداخت و یا دیواری را
بر وی خراب کرد تا له شود و از این جمله جنایات.

تجاوز جنسی. بازجویان و شکنجه‌گران و پاسداران و بسیجیان مسلمان به مردان در زندان‌های جمهوری اسلامی، صرف نظر
از شکستن و خرد کردن یک فرد تا سرحد مرگ که مقصود شکنجه‌گران می‌باشد، بیشتر گویای این حقیقت است که در اسلام،
کافران و ملحدان و اسیران و برده‌ها هیچ‌گونه حقوقی ندارند و جان و مال آنها در اختیار مؤمنین است و هر رفتار ددمنشانه و
پلیدی مباح بوده و شناعتی نداشته و بازخواستی هم ندارد. زمانی که مجاهدین اسلام به ایران پورش آوردند، پسرچه‌هایی را که
به اسارت می‌گرفتند، اخته می‌کردند و تحت نام غلام مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌دادند. بنابراین به شکنجه‌گران و
بازجویان مسلمانی که فرد اسیر را مورد همه‌گونه آزار جسمی و روانی قرار می‌دهند، نمی‌توان خرده گرفت که چرا به عمل
لواط روی آورده و به زندانی تجاوز جنسی کرده‌اند. چنین انتقادهایی متوجه انسان‌های متمدن و باخرد و دارای وجدانی انسانی
و پاک و صاحب سلامت روانی است (که در این صورت نیز اصل موضوع منتفی است)، نه جانوری ماقبل تاریخ و وحشی با
اعتقاداتی پسمانده که ایمان و تعصب مذهبی وی را کور کرده و بر رفتار خود هیچگونه کنترلی ندارد.

شرّ مسلم نه از ره کین است
اقتضای دیانتش این است!

siamakmehr@yahoo.com